

ضمیمه رایگان روزنامه شرق . اسفند ۱۴۰۱

داستان باستان



رمزگشایی از خط پنج هزار ساله ایرانی

مقاله‌ای از «فرانسوادوسه» رمزگشای سیستم نگارش «عیلامی خطی»
و آثار آن در نوزایی هویت ملی



با آثار و گفتاری از:

یوسف مجیدزاده، عبدالمجید ارفعی، عباس علیزاده، سیدمحمد بهشتی، حامد وحدتی نسب
حسین بادامچی، سجاد علی بیگی، سیمین پیران، سینا فکور، مهدی رحمانیان، علیرضا غریب دوست

رمزگشایی خط آغاز ایرانی جدید

سیستم نگارش ایرانی «عیلامی خطی» متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد

این مقاله ترجمه و خلاصه‌ای است از مقاله The Decipherment of Linear Elamite Writing که توسط فرانسوا دوسه با مشارکت و همکاری کامبیز طبیب‌زاده (دانشگاه کنتاکی شرقی در ریچموند، آمریکا)، متیو کروان (پژوهشگر)، ژان پیترو باسلو (دانشگاه اورینتال ناپل، ایتالیا) و جیانی مارکزی (دانشگاه بلونیا، ایتالیا) به سرپرستی و مسئولیت فرانسوا دوسه در مجله معتبر و بین‌المللی آشورشناسی Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie 2022, 112 (1), p. 11-60 پس از طی فرایند داوری علمی بسیار سخت‌گیرانه، پذیرفته و منتشر شده است. نویسنده مسئول مقاله از زحمات آقایان جلیل بختیاری، سجاد علی بیگی و حسن افشاری در ویراستاری متن فارسی تشکر می‌کند.

❖ فرانسوا دوسه باستان‌شناس فرانسوی و متخصص دوره مفرغ (۳۵۰۰-۱۸۰۰ پیش از میلاد)، دکترای خود را در سال ۲۰۱۱ از دانشگاه سوربن گرفت. وی سال ۲۰۰۶ در مأموریت باستان‌شناسی جیرفت شرکت کرد و از آن زمان تاکنون به تحقیقاتش در زمینه تمدن هلیل‌رود ادامه داده است. فرانسوا دوسه از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ در ایران زندگی می‌کرده و پژوهشگر دانشگاه تهران بوده است. او از سال ۲۰۰۶ کار رمزگشایی خط عیلامی خطی را آغاز کرد و نهایتاً در سال ۲۰۲۰ موفق به رمزگشایی آن شد. او در حال حاضر ساکن فرانسه بوده و مشغول آماده‌سازی چاپ نهایی تمام متون عیلامی خطی (آغاز ایرانی جدید) است. پروژه علمی بعدی او رمزگشایی باستانی‌ترین سیستم نوشتاری در جهان، سیستم نوشتاری «آغاز عیلامی» است.



❖ تصویر ۱: جزئیات جام مروودشت (متن عیلامی خطی Q؛ سده ۲۱ پیش از میلاد؛ با مجوز موزه ملی ایران)

❖ فرانسوا دوسه François Desset
مترجم: مریم دوسه



e-s-o-t wa-s-n-ra-p

فرانسوا دوسه

سال‌های ۲۰۵۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری می‌کنند (تصویر ۷). علاوه بر مشکل کم‌بودن تعداد کافی متون، از دیگر عوامل مهم دخیل در رمزگشایی، دسترسی به رونوشت دقیق و وفادار به متن اصلی است. شاید در نگاه اول تهیه رونوشت دقیق از متن حک شده بر روی اثر باستانی امری پیش‌پاافتاده و بدیهی به نظر برسد، اما در بسیاری از موارد این‌طور نیست. این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات من در زمینه رمزگشایی بود. زمانی که کار رمزگشایی را در سال ۲۰۰۶ میلادی آغاز کردم، تنها تصویری از یک طرف این ظروف را در اختیار داشتم؛ بنابراین تنها بخشی از کتیبه‌ها را دیده بودم. انتظار من برای دیدن کتیبه‌های کامل تا سال ۲۰۱۵ میلادی به طول انجامید و پس از سال‌ها

میان سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد در جنوب ایران استفاده می‌شده است. به این فهرست اضافه کنیم؛ نگارش عیلامی خطی (نگاه کنید به تصویرهای ۱ و ۲).

سیستم نگارش عیلامی خطی که نخستین بار در سال ۱۹۰۳ میلادی توسط باستان‌شناسان فرانسوی در کاوش‌های شوش محوطه باستانی مهم در جنوب غربی ایران (نگاه کنید به تصویرهای ۲ و ۳) کشف شد، با وجود تلاش‌های فراوان تا به امروز رمزگشایی نشده بود. این موضوع بیشتر ناشی از محدودبودن تعداد کتیبه‌ها بوده است. برخی از کتیبه‌های عیلامی خطی به‌دست‌آمده از شوش، دربردارنده متونی نوشته‌شده به خط میخی نیز بوده‌اند (تصویر ۴). خط میخی در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در میان‌رودان (بین‌النهرین) شکل گرفت و در سده نوزدهم رمزگشایی شد. در سده بیستم به واسطه پژوهش‌های دانشمندانی مانند P. Meriggi و F. Bork, C. Frank, W. Hinz, (۲۰۱۰)، از نشانه‌های سیستم نگارش عیلامی خطی (به واسطه رمزگشایی خط میخی) به‌درستی خوانده شدند؛ آنها این کار را از طریق خوانش نام‌های اینسوشیناک (i-n-su-šī-na-k₍₂₎) یا (i-n-su-š-na-k₍₂₎), خدای بزرگ شوش، پوزور (pu-zu-r-su-šī-na-k₍₂₎)، فرمانروای شوش در سده بیستم پیش از میلاد و پدرش شین‌پسهوک (šī-n-pi-s-hu-k[i-r]) یا (šī-n-pi-s-hu-k₍₂₎) انجام دادند (تصویر ۵). پس از آن رمزگشایی عیلامی خطی به بن‌بست خورد و ادامه تلاش‌ها حاصلی نداشت.

۱- رمزگشایی سیستم نگارش عیلامی خطی

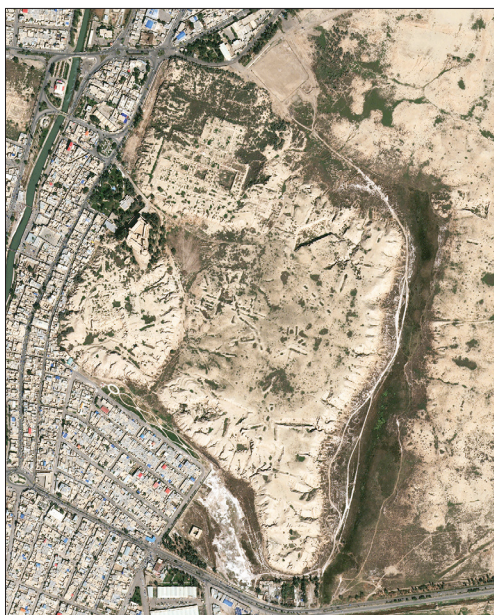
پژوهش‌ها در زمینه رمزگشایی نگارش عیلامی خطی در اوایل سده ۲۱ میلادی با دستیابی به مجموعه جدیدی از کتیبه‌های عیلامی خطی حک شده بر روی ظروف استوانه‌ای شکل نقره‌ای موسوم به «کونانکی» (kunanki) از بن‌بست خارج شد. این ظروف عمدتاً در مجموعه خصوصی آقای هوشنگ محبوبیان در لندن نگهداری می‌شوند و محل کشف آنها در کامفیروز در نزدیکی شهر باستانی انزان، تل ملیان کنونی بوده است (تصویرهای ۲ و ۶). تل ملیان محوطه باستان‌شناسی مهمی است که در دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط باستان‌شناسان آمریکایی کاوش شده است. ظرف‌های کونانکی را از منظر گونه‌شناسی میان

کی نامور دادشان زینهار بدان تا نهانی کنند آشکار
چو آزاد گشتند از بند او بجستند به ناچار پیوند او
نبشتن به خسرو بیاموختند دلش را به دانش برافروختند
نبشتن یکی نه که نزدیک سی چه رومی چه تازی و چه پارسی
چه هندی چه چینی و چه پهلوی نگاریدن آن کجا بشنوی

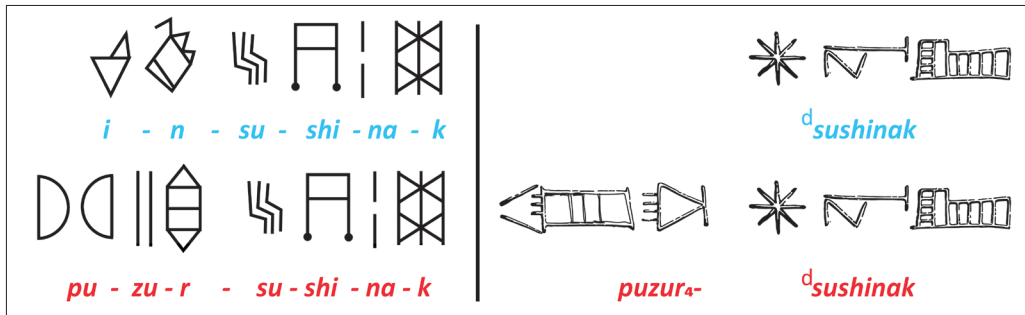
معمولاً در رشته‌های علوم انسانی، از جمله تاریخ، به‌جز در موارد معدود، به سختی می‌توان به نتیجه‌گیری قطعی رسید. رمزگشایی یک سیستم نگارش باستانی احتمالاً یکی از همین نمونه‌ها است. در میان جدیدترین رمزگشایی‌های انجام‌شده در نیمه دوم سده بیستم، می‌توان به سیستم نگارش میسنی خطی B (تمدن باستانی در نیمه دوم هزاره دوم در یونان و جزیره کرت) در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط A. Kober, M. Ventris و J. Chadwick، خط گلیف‌های مایا (سیستم نوشتاری قوم مایا در مکزیک) توسط T. Proskouriakoff و Y. Knorozov، و همچنین هیروگلیف‌های لووی/آنا‌تولی توسط I. Gelb, P. Meriggi, E. Laroche, D. Hawkins و A. Morpugo-Davies اشاره کرد. هم‌اکنون ما می‌توانیم سیستم نگارش ایرانی مهمی را که بر مبنای دانش کنونی



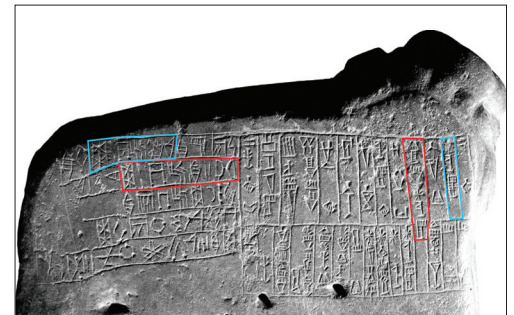
❖ تصویر ۲: نقشه کلی محوطه‌های باستانی ذکرشده در متن. مکان‌هایی که کتیبه‌های عیلامی خطی در آنها یافت شده با یک ستاره سیاه نمایش داده شده است (تصویر از فرانسوا دوسه)



❖ تصویر ۳: نمای هوایی از شوش (با مجوز پایگاه میراث فرهنگی شوش)



تصویر ۵: نام‌های خاص اینسوشیناک (سوشیناک به زبان اکدی) و پوزور (تصویر از فرانسوا دوسه) به خط میخی نگاشته شده است (از چپ به راست) و واژه‌نگاری آنها



تصویر ۴: «میز شیرنشان» متعلق به شوش سده ۲۲ پیش از میلاد که در شوش پیدا شده (محل نگهداری موزه لوور)، دربردارنده کتیبه‌ای به زبان اکدی و خط میخی در سمت راست و کتیبه دیگری به زبان عیلامی و خط «عیلامی خطی» در سمت چپ است (متن عیلامی خطی A). توالی نشانه‌ها (که در متن عیلامی خطی از راست به چپ خوانده می‌شوند) نشان‌دهنده نام‌های اینسوشیناک و پوزور و شیناک به ترتیب در کادرهای آبی و قرمز هستند.



تصویر ۶: تصویر هوایی از تل ملیان در سال ۱۹۷۸ میلادی (عکاس Georg Gerster)

تلاش، سرانجام موفق به دیدن اشیا از نزدیک و تهیه رونوشت از متن کتیبه‌ها شدم و دو سال بعد پژوهش من به نقطه عطف رسید. آن لحظه را به خوبی به یاد دارم. در بهار سال ۲۰۱۷ میلادی در آپارتمانم در تهران نشسته بودم و توالی‌های نشانه‌های حک شده بر روی این ظروف را بررسی می‌کردم که یکی از این توالی‌ها توجهم را به خود جلب کرد (تصویر ۸). احتمال دادم که نام شخص مهمی باشد؛ شاید نام فرمانروایی که بر اساس تاریخ‌گذاری ظروف «کونانکی» احتمالاً در بازه زمانی ۲۰۵۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد می‌زیسته و نامش متشکل از چهار نشانه بوده است. نخستین نشانه š (شی) خوانده می‌شود (بر مبنای نام پوزور-سوشیناک Puzur-Sushinak و اینسوشیناک Insushinak) و نشانه‌های سوم و چهارم یکسان هستند. در میان تمامی فرمانروایان و شاهان «ایرانی» که در متون خط میخی در میانه سال‌های ۲۰۵۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد به نام آنها اشاره شده است، تنها نام یک نفر با این فاکتورها همخوانی داشت:

کمی بعد ژان پیتر و باسیلو (دانشگاه اورینتال ناپل، ایتالیا) و جیانی مارکزی (دانشگاه بلونیا، ایتالیا) کامل شد. کتیبه‌های عیلامی خطی حک شده بر روی این ظروف، مجموعه‌ای از متون سلطنتی به زبان عیلامی و دربردارنده محتوای تکراری متعلق به فرمانروایان مختلفی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد هستند. همچنین این متون موارد مشترکی (از جمله نام‌ها، عناوین و القاب، عبارات و جمله‌سازی‌ها) با متون جدیدتر نگاشته شده به زبان عیلامی و به خط میخی دارند که پیش از این برای ما شناخته شده بودند (نگاه کنید به تصویرهای ۹ و ۱۰).

پدیده دیگری به وضوح از دو زبان متمایز است. متون دیگریافیا، متونی هستند که در آن اطلاعات زبانی یکسان (زبان عیلامی) با دو خط مختلف، خط میخی میان‌رودان (شناخته شده) و خط عیلامی خطی ایرانی (ناشناخته) نوشته شده‌اند؛ و همین ویژگی بود که رمزگشایی خط عیلامی خطی را ممکن می‌کرد. همان‌طور که Cham-pi می‌توانست برای رمزگشایی خط هیروگلیف مصری بر زبان بنی، نسخه مدرن زبان مصری باستان تکیه کند یا Ventris این



تصویر ۸: نام‌های خاص شیلهاها، اپارتی دوم و ناپیرشا به خط «عیلامی خطی» حک شده‌اند (از چپ به راست خوانده می‌شود؛ تصویر از فرانسوا دوسه)

«شیلهاها» š-i-l-ha-ha, Shilhaha. این نام کلید من برای رمزگشایی شد و به دنبال آن، دیگر نشانه‌ها را به سرعت رمزگشایی کردم. چند دقیقه بعد در حال خواندن نام سلف او (احتمالاً پدر شیلهاها)، اپارتی دوم Eparti II (e-pa-r-ti) بودم. هر دو نفر در سده بیستم پیش از میلاد حکومت کرده و از بنیان‌گذاران سلسله‌ای موسوم به «سوکلمخ» (Sukkalmah) بوده‌اند. همچنین خدای اصلی آن زمان در فلات ایران، ناپیرشا، (na-pi2-ri-ša) یا (na-pi2-ri-ša) بود که به زبان عیلامی «خدای بزرگ» خوانده می‌شود. خدا (napi) و بزرگ (resha) در زبان عیلامی این‌گونه ترجمه می‌شوند. این سه نام به تنهایی به من امکان رمزگشایی ۹ نشانه دیگر را داد (این سه نام e, ha, l, pa, pi2, ri, ša, ti و همچنین u).

به‌طور کلی، زبان و نوشتار را باید به وضوح از یکدیگر متمایز کرد. زبان یک پدیده آوایی است که توسط «صدا» تولید و از طریق شنیدن درک می‌شود؛ درحالی‌که نوشتن یک پدیده دیداری است که معمولاً با دست تولید شده و از طریق بینایی قابل درک است. برای مثال، این مقاله به زبان فارسی است که با الفبای عربی (که اندکی تغییر یافته) نگاشته شده است. علاوه بر این، الفبای عربی برای نوشتن زبان‌های دیگری همچون عربی، فارسی، ترکی (در دوران عثمانی) استفاده شده است. بنابراین ممکن است از یک سیستم نگارشی برای نوشتن زبان‌های مختلف استفاده شود. از سوی دیگر، ممکن است یک زبان با سیستم‌های نگارشی متفاوتی نوشته شود؛ مانند زبان هندی-اردو که با الفبای عرب اندکی تغییر یافته در پاکستان و با خط دیواناگری در هندوستان نوشته می‌شود و نیز زبان فارسی که با الفبای عربی اندکی تغییر یافته در ایران و الفبای سیریلیک در تاجیکستان نوشته می‌شود. مثالی دیگر زبان ترکی است که تا سال ۱۹۲۸ میلادی با الفبای عربی نوشته می‌شد و پس از اصلاحات آتاتورک، با الفبای لاتین اصلاح شده نوشته می‌شود. سه مورد آخر نمونه‌هایی از پدیده «دیگرافیا» (دو سیستم نگارشی مختلف برای یک زبان) هستند.

ظروف نقره‌ای کونانکی تبدیل به کلید رمزگشایی نگارش عیلامی خطی شدند که در ادامه با همراهی همکارانم کامبیز طیب‌زاده (دانشگاه کنتاکی شرقی در ریچموند، آمریکا)، متیو کروان و

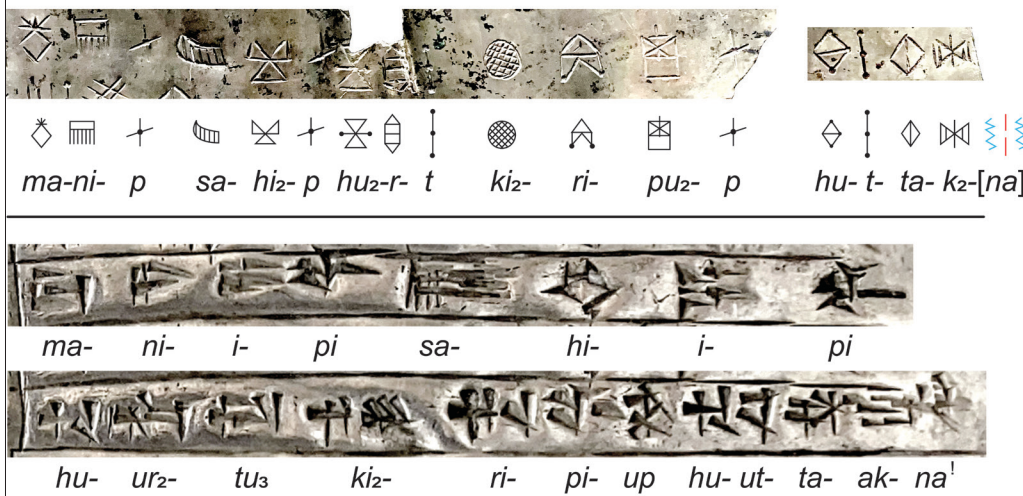


تصویر ۷: ظروف نقره‌ای کونانکی مکشوفه از منطقه کامفیروز که نوشته‌هایی به زبان عیلامی حک شده به خط «عیلامی خطی» را نمایش می‌دهند. در سمت چپ، متن Z از شاهی به نام ایتاتو اول Itatu I در حدود ۱۹۸۰ پیش از میلاد؛ تصویر وسط، متن Y از ایتاتوی اول در حدود ۱۹۸۰ پیش از میلاد؛ در سمت راست، متن K از شاهی به نام «پلا-ایشان» Pala-ishan که در حدود سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد حکومت می‌کرد (رک: تصویر ۲۱؛ عکس از فرانسوا دوسه و با مجوز از مجموعه محبوبیان).



● تصویر ۹: ظرف نقره‌ای با کتیبه‌ای سلطنتی به خط میخی و زبان عیلامی متعلق به نیمه نخست سده ۱۸ پیش از میلاد از فرمانروا سو- پالار- هوهپاک (Sewe-palar-hühpak) (ارتفاع بیست و یک و نیم سانتی‌متر؛ از مجموعه محبوبیان)

/mani-p sah-ip hūrt kere-p o-p(e) hūta-k-na/



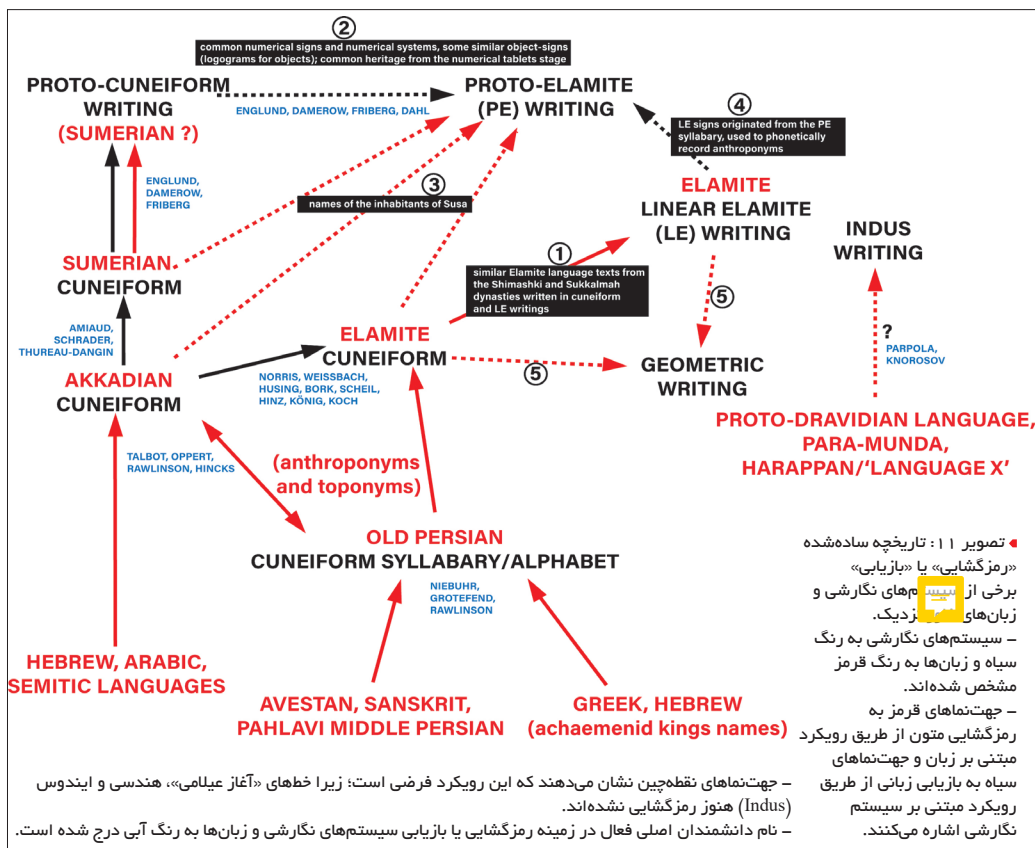
● تصویر ۱۰: پدیده «دیگرافیا» برای دعایی به زبان عیلامی /mani-p sah-ip hūrt kere-p o-p(e) hūta-k-na/ (مانی-پ ساه-یپ هورت کرپ-آپ هوتا-ک-نا) «باشد که مانی‌های (نام‌شی)- برنری برای (یا به منظور استفاده توسط) گروه پرستش من (کشیشان و یا روحانیان من) ساخته شود»؛ این دعا در بالا به خط عیلامی خطی در متنی متعلق به ایتاتوی اول (۱۹۸۰ پیش از میلاد؛ متن عیلامی خطی Z: 8-9) نگاشته شده است (برای دیدن تصویر کامل به تصویر ۷ سمت چپ مراجعه شود). همان دعا دو قرن بعد، در نیمه نخست سده ۱۸ پیش از میلاد، به خط میخی در متنی متعلق به سو- پالار- هوهپاک دیده شده است (تصویر ۹؛ عکس‌ها از فرانسوا دوسه)

سده هاست. همچنین بر مبنای مستندات به دست آمده تا به امروز از این زبان، زبان عیلامی در حال حاضر ظاهراً در دسته زبان‌های منفرد قرار دارد. بنابراین با وجود فرضیه‌هایی که می‌گویند زبان عیلامی را به زبان‌های «دراویدی هند و پاکستان»، «گروه زبانی آفریقایی-آسیایی» یا «زبان‌های قفقازی» متصل کنند، این ویژگی مانع از هرگونه مقایسه زبانی می‌شود. اگرچه تاکنون زبان عیلامی فقط از طریق شمار محدودی از کتیبه‌های میخی سده بیست و سوم تا سده چهارم پیش از میلاد مستند شده، با این وجود، برخی معتقد هستند این زبان سرانجام در حدود سال هزار پس از میلاد و در جنوب غربی ایران ناپدید شده است. آن گونه که در آثار جغرافی‌دانان ایرانی که به زبان عربی نوشته شده، احتمالاً به نوع تحول یافته زبان عیلامی به نام «خوزی» اشاره

فرضیه را مطرح کرد که می‌سینی خطی B شکل باستانی زبان یونانی (زبان یونانی می‌سینی) را می‌نوشت، خط عیلامی خطی را نیز می‌توان بر اساس دانش قبلی (هرچند اندک) از زبان عیلامی و از طریق خط میخی رمزگشایی کرد (از شناخته به ناشناخته: خط میخی << زبان عیلامی >> خط عیلامی خطی؛ به تصویر ۱۱ نگاه کنید).

۲- زبان عیلامی

رمزگشایی خط «عیلامی خطی» ثابت کرد که این خط برای ثبت «زبان عیلامی» استفاده می‌شده است. زبان عیلامی احتمالاً از بقایای یک گروه زبانی بزرگ‌تر در هزاره سوم پیش از میلاد بوده و نیز این زبان نشان‌دهنده تفاوت‌های گویشی/لهجای بین‌منطقه‌ای در طی



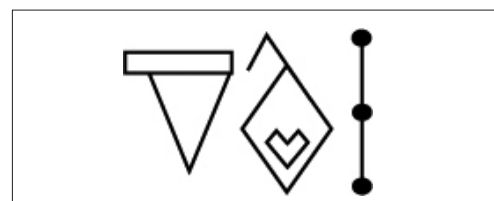
چند نکته ضروری برای تصویر ۱۱

نکته ۱: رمزگشایی نگارش عیلامی خطی از طریق رویکردی مبتنی بر زبان امکان‌پذیر شد؛ زیرا برخی از کتیبه‌های عیلامی خطی (کتیبه‌های ظروف نقره‌ای کام‌فیروز) متون زبان عیلامی را بسیار شبیه به دیگر کتیبه‌های نوشته شده به خط میخی ثبت کرده‌اند.

نکته ۲: السواح «آغاز عیلامی» قبلاً از طریق مقایسه‌های گرافیکی با خط «آغاز میخی» (رویکرد مبتنی بر سیستم نگارشی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این روش منجر به کشف نشانه‌های شمارشی، سیستم‌های شمارشی و برخی از نشانه‌های واژه‌نگاری مربوط به اشیاء مثل نشانه واژه‌نگار برای گوسفند شد که برآمده از میراث مشترک این دو خط از سیستم شمارشی پیش از آنها بوده است.

نکته ۳: از آنجایی که برخی از توالی‌های نشانه‌های «آغاز عیلامی» احتمالاً نام‌های خاص را ثبت کرده‌اند، رویکردی مبتنی بر زبان برای رمزگشایی این توالی نشانه‌ها و به واسطه نام‌های خاص سومری، اکدی و عیلامی ساکنان شوش در دوره امپراتوری آکد به کار گرفته شد.

نکته ۴: رمزگشایی خط عیلامی خطی به ما این امکان را می‌دهد که رویکرد جدیدی مبتنی بر سیستم نگارشی اتخاذ کنیم؛ زیرا خط عیلامی خطی احتمالاً از خط «آغاز عیلامی» می‌آید. ارزش‌های آوایی نشانه‌های عیلامی خطی را می‌توان به روش معکوس به همتایان گرافیکی بالقوه «آغاز عیلامی» آنها اعمال کرد. ترکیبی از نکته‌های سه و چهار می‌تواند دسترسی به توالی‌های مربوط به نام‌های خاص در خط «آغاز عیلامی» را فراهم کند.



● تصویر ۱۲: واژه عیلامی /zemt/ نگاشته‌شده با خط عیلامی ze-m-t (از چپ به راست خوانده می‌شود؛ تصویر از فرانسوا دوسه)

شده؛ زبانی که به گفته ایشان، یادگیری آن بسیار دشوار بود، نه عربی، نه فارسی، نه سریانی و نه عبری بود. با این اوصاف، آگاهی ما از واژگان و دست‌نویزبان این زبان مرده و ظاهراً منفرد، بسیار محدود است. ما هم‌اکنون قادر به خواندن متون این زبان (به هر دو خط میخی و خط عیلامی خطی) هستیم، اما هنوز با مشکلاتی نظیر مشکلات زبان اتروسکی (در ایتالیا) در زمینه ترجمه و فهم متون مواجه هستیم. یک بازیابی زبانی واقعی، تنها از طریق دستیابی به متون چندزبانه ممکن خواهد بود (متنی به زبان عیلامی که به چند زبان شناخته‌شده دیگر نیز ترجمه شده باشد). در این راستا، کتیبه‌های سلطنتی سه‌زبانه هخامنشی از سده ششم تا چهارم پیش از میلاد (به زبان‌های فارسی باستان، اکدی و عیلامی) همچنان سنگ‌بنای اصلی ما در فهم زبان عیلامی از طریق مقایسه آن با زبان‌های شناخته‌شده‌تری همچون فارسی باستان (از خانواده هند و اروپایی) و اکدی (از خانواده سامی) است.

چرا این واژه علامی در خط میخی *še-im-ti ti te-im-ti. si-im-ti* نوشته شده؟ نخست اینکه هیچ نشانه‌ای در خط میخی برای ثبت هجای */ze/* وجود ندارد و به همین دلیل کاتبان میان شبیه‌ترین نشانه‌هایی که در دسترس بود (*še ti te. si*)، تردید داشتند. دومین دلیل اینکه در خط میخی نشانه‌ای برای همخوان‌ها وجود ندارد و به همین دلیل کاتبان می‌بایست واج‌های */m/* و */t/* را با نشانه‌های هجایی بنویسند تا به واسطه یک «واکه ساختگی» *dummy vowel* فهمیده شود؛ مانند *[i]m* و *[i]*.

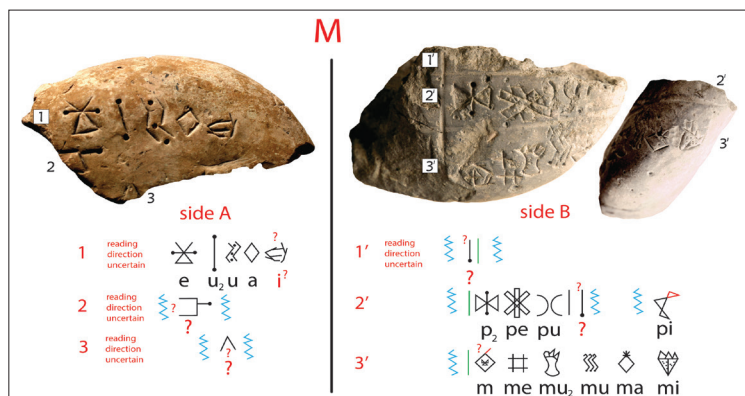
تا پیش از رمزگشایی خط عیلامی خطی، واژه عیلامی که معنی «سرور» یا «پادشاه» را بدهد از واژه *tenti*/ استنباط می‌کردیم. اکنون می‌دانیم که *tenti*/ به تلفظ اصلی بسیار نزدیک‌تر است. به همین ترتیب نتایج رمزگشایی باید برای همه خوانش‌های زبان عیلامی بر اساس خط میخی اعمال شود تا آنها را تصحیح کرده و دید دقیق‌تری از زبان عیلامی به دست آورد.

۳- نحوه عملکرد خط عیلامی خطی

تصویر ۱۴: نمودار پیشنهادی از ارزش‌های آوایی رمزگشایی‌شده خط عیلامی خطی؛ برای ارزش‌های آوایی /p/, /k/ و /r/ از نشانه‌های مشابه اما با تفاوت‌های جزئی در طراحی استفاده شده است؛ برای ارزش‌های آوایی /li/, /h/ و /pi/ نشانه‌های هم‌آوا وجود دارد؛ در حالی‌که برای /u/ و /w/ از یک نشانه مشترک استفاده شده است. ارزش واکه نشانه هجایی (?/sʰu/-sʰo=) /sʰu/ (?/ru/-ro=) /rʰu/ (?/nu/-no=) /nu/ (?/lu/-lo=) /lu/ (?/hʰu/-ho=) را هنوز نمی‌توان به‌طور قطع تعیین کرد. هنوز نشانه‌های مربوط به ۱۰ یا ۱۱ ارزش آوایی از میان ۷۷ ارزش‌های آوایی با تعیین شود (/se/, /to/, /wi/, /nu/ و /wʰu/ وجود داشته باشند، /zi/ و /lo/ یا /ro/ یا /ru/ یا /sʰu/ یا /so/ یا /su/ (تصویر ۱۵ فراسو، دوسه)

	/e/	/u/	/o/	/a/	/i/
/p/	/pe/	/pu/	/po/	/pa/	/pi/
/m/	/me/	/mu/	/mo/	/ma/	/mi/

تصویر ۱۶: تفسیر آوایی متن عیلامی خطی M (تصویر از فرانسوا دوسه)



تصویر ۱۵: متن عیلامی خطی M: لوح مدرسه (مشق) عدسی شکل شوش (عکس‌ها از موزه لوور، تصویر از فرانسوا دوسه)

و خط میخی میان‌رودان (و احتمالاً خط ایندوس) با توجه به تعداد بالای نشانه‌های به‌دست‌آمده، هرچند هنوز رمزگشایی نشده است)، با صدها نشانه و نگاره ترکیبی نوشته می‌شده‌اند که احتمالاً در ابتدایی‌ترین دوران این خطوط، در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، میزان بیشتری از نشانه‌های واژه‌نگاری را در خود داشته‌اند؛ درحالی‌که «خط‌های آوایی خالص» تنها در میانه‌های هزاره دوم پیش از میلاد ظاهر شدند. با توجه به این رویکرد، رمزگشایی از خط عیلامی خطی ایرانی، اثرات چشمگیری بر دانش ما از روند پیشرفت نگارش در جهان از منظر تکامل تدریجی دارد.

سیستم نگارش عیلامی خطی ایرانی که با توجه به دانش کنونی میان ۲۳۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد مورد استفاده بوده است، هیچ تطابقی با فرضیه آوایی‌سازی تدریجی که به آن اشاره شد، ندارد. در میان ۴۰ کتیبه‌ای که در حال حاضر به آنها دسترسی داریم، بیش از ۹۶ درصد از واژه‌ها (۸۹ نشانه حک شده، قابل خواندن هستند) چهار نشانه نادر و ۳۳ نشانه که فقط یک بار در متون موجود آمده‌اند، «یکبارینه»، باقی‌مانده است که باید رمزگشایی شوند (تصویر ۱۳). در نتیجه می‌توان گفت دانش ما از این سیستم نگارش نسبتاً دقیق است.

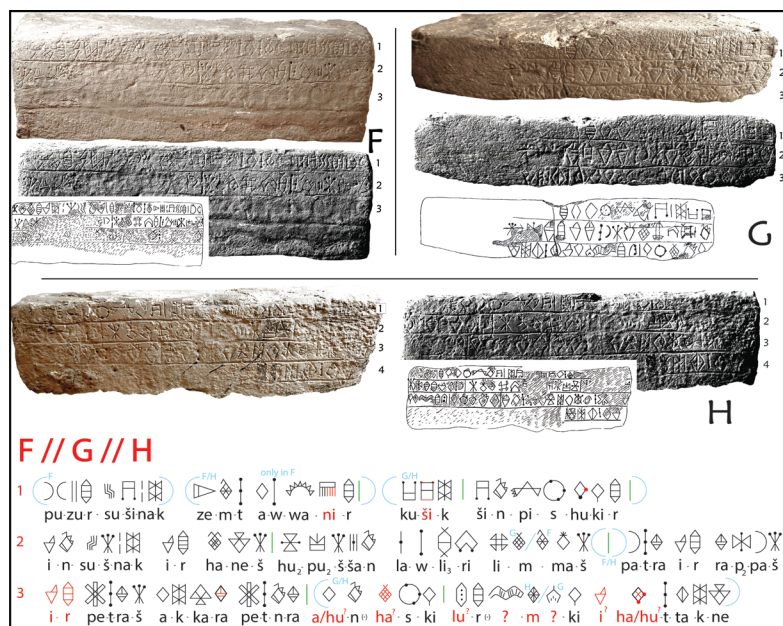
هم‌اکنون ۷۲ نشانه خط عیلامی خطی مربوط به ۶۷ ارزش آوایی (به دلیل دوگانه‌بودن ارزش آوایی نشانه /u/ و /w/ و به علت اینکه برای هریک از ارزش‌های آوایی /k/, /h/, /l/, /i/ و /u/ دو نشانه متفاوت وجود دارد) رمزگشایی شده‌اند. با توجه به قدمت و هم‌زمانی این سیستم نگارش با هیروگلیف مصری و خط میخی، من تا سال ۲۰۱۸ میلادی معتقد بودم خط «عیلامی خطی» فقط می‌تواند یک سیستم نگارشی ترکیبی (به همراه نشانه واژه‌نگار) باشد؛ اما پس از رمزگشایی نظرم تغییر کرد و به این نتیجه رسیدم که درواقع ۷۲ نشانه رمزگشایی شده همه آوانگار هستند. تا جایی که می‌دانیم، خط عیلامی خطی سیستم نگارشی الفبایی /هجایی (الفبایلابری) است. این سیستم نگارش مطابق با یک شبکه آوایی عمل می‌کند که حول پنج واکه (/u/, /o/, /i/, /e/, /a/) و ۱۲ همخوان (یا صامت) می‌چرخد (/p/, /b/, /t/, /d/, /k/, /g/, /m/, /n/, /l/, /r/, /s/, /ʃ/, /ʒ/, /w/, /v/, /h/, /ʁ/, /x/, /ʕ/, /ʔ/). ارزش هجایی به وجود می‌آورد (/ku/, /ko/, /ki/, /ke/, /ka/, /hu/, /ho/, /hi/, /he/, /ha/...). این سیستم از نظر تئوری باید شامل ۷۷ ارزش آوایی باشد (۵+۱۲+۶۰).

اکثر سیستم‌های نگارش هجایی خالص ۴۰ تا ۹۰ نشانه مختلف دارند. خط هجانگار خطی میسنی B ظاهراً شامل ۶۵ نشانه اصلی است (تنها ۶۰ نشانه را تا به امروز می‌شناسیم) + ۷ نشانه مکمل؛ خط هجانگار قبرسی (۵۶ نشانه)؛ خط هجانگار کری (۷۰ نشانه)؛ خط هجانگار چروکی (۸۶ نشانه)؛ خط هجانگار اینوکیتوت (۱۰۸ نشانه)؛ خط هجانگار چینی فنکیه (۶۲ نشانه)؛ خط‌های هجانگار ژاپنی هیراگانا و کاتاکانا (۵۰ نشانه برای هر یک)

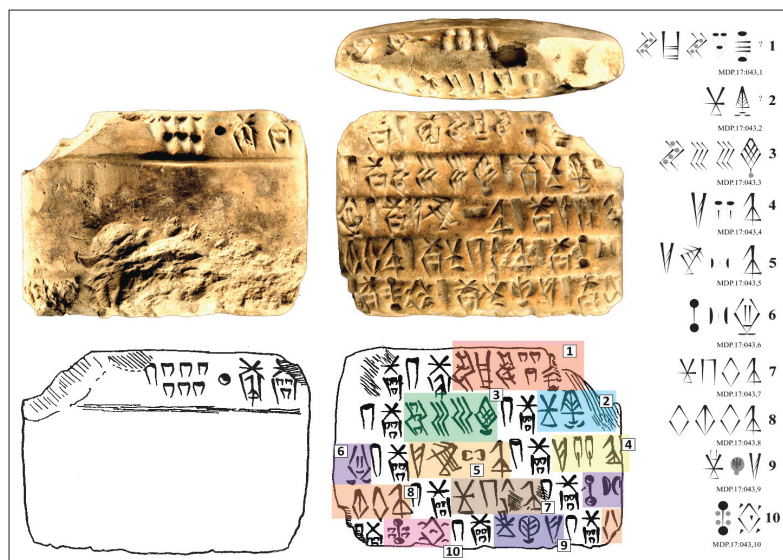
همچنین تاکنون هیچ نشانه واژه‌نگاری نیز در کتیبه‌های مربوط به این خط مشاهده نشده است (تصویر ۱۴). در نتیجه این رمزگشایی، نظریه روند تکامل سیستم‌های نگارشی در فرایند آوایی‌سازی تدریجی نیز باید اصلاح شود؛ چراکه ساکنان فلات ایران راه دیگری را رفته و کهن‌ترین سیستم نگارشی کاملاً آوانگاری را که تاکنون از وجود آن آگاه هستیم، ایجاد کردند و تاریخ نخستین سیستم آوانگار را که تا پیش از این میانه هزاره دوم پیش از میلاد بود، به ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد تغییر دادند.

نمودار شبکه آوایی که در تصویر ۱۴ آمده است، طراحی جدید از کارکرد منطقی خط عیلامی خطی نیست، بلکه احتمالاً ابزاری بوده که برای آموزش و یادگیری این خط در هزاره سوم پیش از میلاد توسط کاتبان استفاده می‌شده است. کاربردی که به «لوح شکسته عدسی شکل به‌دست‌آمده از شوش» نیز نسبت داده می‌شود (متن عیلامی خطی M: تصاویر ۱۵ و ۱۶)، این لوح احتمالاً تمرین مدرسه (مشق) کاتبان بوده است که در یک طرف آن پنج حرف صدادار /e, u, o, a, i/ نوشته شده و در طرف دیگر حداقل دو سری همخوان /p, pe, pu, po, pa, /m, me, mu, mo, ma, mi/ ثبت شده‌اند.

سیستم نگارشی الفبایی/هجایی (الفبایلابری) در خط عیلامی خطی، با ۷۷ ارزش آوایی مرتب‌شده در نموداری متشکل از پنج واج واکه (/u/, /o/, /i/, /e/, /a/) و ۱۲ واج همخوان (/p/, /b/, /t/, /d/, /k/, /g/, /m/, /n/, /l/, /r/, /s/, /ʃ/, /ʒ/, /w/, /v/, /h/, /ʁ/, /x/, /ʕ/, /ʔ/). چه از منظر تعداد آواها و چه از منظر ساختار، یادآور سیستم نگارش هجایی خط میسنی خطی B است که در سده‌های ۱۴۵۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد استفاده می‌شده است.



تصویر ۱۷: متون ترکیبی H//G//F، به‌دست‌آمده از شوش در سده ۲۲ پیش از میلاد منسوب به یوز، و شیناک (عکس از موزه لوور؛ طراحی از Iré Salvini 1989). مقیاس عکس به اندازه و این می‌نیست. در نسخه اصلی متن از راست به چپ نوشته شده است، در طراحی جهت نوشته به چپ به راست تغییر کرده است. نشانه‌های بازپایی‌شده و نویسه‌گردانی‌های نامشخص (به دلیل وجود نشانه‌های غیر معمول، نشانه‌های بد نوشته، شک بین دو نشانه، نشانه‌های غیر قابل تشخیص) قرمز هستند؛ همان‌طور که نویسه‌گردانی نشانه /u/ که خواندن آن هنوز نامشخص است، با قرمز مشخص شده است. در آوانویسی ارائه‌شده در متن، این نشانه‌ها با علامت سؤال همراه هستند. تقسیم‌کننده‌ها به رنگ سبز نشان داده شده‌اند. بخش‌هایی که در همه الواح سنگی تأیید نشده یا موجود نیستند، بین پرازنترهای آبی قرار دارند.



تصویر ۱۸: لوح «آغاز عیلامی» به‌دست‌آمده از شوش، حدود ۱۳۳۰ پ.م. (MDP 17, 043; CDLI برای عکس). لوح باید از بالا به پایین و از راست به چپ خوانده شود. ۱۰ توالی‌های نام‌های خاص در تصویر مشخص شده که در سمت راست مجدداً نمایش داده شده است (تصاویر از فرانسوا دوسه)

/u//pu/ ?



MDP.17:043,6

?-pu-u/ = ?-pū/

/e//še//a/ ?



MDP.17:043,7

?-a-še-e/ = ?-ašē/

/a//ta//a/ ?



MDP.17:043,8

?-a-ta-a/ = ?-atā/

تصویر ۱۹: نمونه‌ای از کاربرد ارزش‌های آوایی بدمست‌آمده از خط عیلامی خطی بر ششمین، هفتمین و هشتمین توالی‌های نام‌های خاص در لوح آغاز عیلامی MDP 17, 043؛ این نشانه‌ها را باید از راست به چپ خواند (نگاه کنید به تصویر ۱۸: تصویر از فرانسوا دوسه). به نوشتارهای واژه‌نگار در آغاز هر توالی دقت کنید (خصوصاً نشانه M 124) و همچنین استفاده مکرر از نشانه حرف مصادار (پنج نشانه مصادار داریم که تقریباً تمامی توالی‌های آغاز عیلامی با یکی از آنها تمام می‌شود). (۱۹۷۱) در تصویر ۱۱، مصادار (۱۷۴ تا ۱۷۳) پیش‌تر به این پدیده اشاره کرده بود، ولی در این تصویر ارزش آوایی (حرف مصادار) آنها آگاه نبود. این پدیده شاید مربوط به کشش حرف مصادار باشد (/tā=ta-a/, /šē=še-e/, /pū=pu-u/).

بوده‌اند. این مراحل تکامل را می‌توان به ترتیب به‌عنوان نگارش آغاز ایرانی قدیم (حدود ۳۳۰۰-۲۹۰۰/۳۰۰۰ پیش از میلاد) و نگارش آغاز ایرانی جدید (۲۳۰۰-۱۸۸۰ پیش از میلاد) نامید. در میان این دو مرحله، یک مرحله هنوز به اندازه کافی مستند نشده است (نگارش آغاز ایرانی میانی در ۲۹۰۰/۳۰۰۰ تا ۲۳۰۰ پیش از میلاد).

این پیوند خویشاوندی و متعاقب آن سنت مداوم نگارش در ایران میان سال‌های ۳۳۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد می‌تواند به ما این امکان را بدهد که به روشی وارونه از طریق خوانش نشانه‌های خط آغاز ایرانی جدید (عیلامی خطی) به رمزگشایی همتان گرافیکی‌اش که همان نشانه‌های خط آغاز ایرانی قدیم (آغاز عیلامی) هستند، دست یابیم (تصویر ۱۱، نکته ۴). این روش به‌عنوان مثال شبیه رمزگشایی خط میخی در قرن نوزدهم است که با استفاده از متون جدیدتر، متون قدیمی‌تر تحلیل و در نهایت رمزگشایی شدند (درحالی‌که خوانش الواح «آغاز میخی» در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد هنوز با مشکل مواجه است).

فلات ایران در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، درکنار میان‌رودان و مصر، زادگاه نگارش در جهان است. از سال ۲۰۱۲ میلادی به این سو، استدلال‌های منطقی و زمانی‌ای را مطرح کرده‌ام که بر اساس آنها نگارش «آغاز عیلامی» را نباید به‌عنوان خطی فرعی که از خط

می‌کردند، باید در نظر گرفت. از این منظر، خط میخی میان‌رودانی (که بین اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و حداقل سده اول پس از میلاد استفاده می‌شد) و هیروگلیف/هیراتیک مصری (که بین اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و حداقل سده چهارم پس از میلاد مورد استفاده بود) بسیار موفق‌تر از همتای ایرانی خود بودند که استفاده از آن در سال‌های ۱۸۸۰ پیش از میلاد به پایان رسید.

توقف استفاده از خط عیلامی خطی را می‌توان با دو پدیده توضیح داد. اول اینکه در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد، شهرنشینی در بخش شرقی خاور میانه قدیم به‌صورت بی‌سابقه‌ای سقوط کرد (پایان شهرنشینی در تمدن جیخون/خراسان بزرگ، پایان تمدن ایندوس در دره سند و سقوط شهرنشینی در تمامی مناطق شرقی ایران). این پدیده می‌تواند به احتمال زیاد دلیل از بین رفتن سنت استفاده از خط عیلامی خطی در جنوب شرق ایران و کم‌وبیش به‌طور هم‌زمان از بین رفتن خط ایندوس در دره سند باشد. در همان زمان در جنوب غرب ایران، خط میخی میان‌رودانی در حال گسترش بود. در طی دوره کوتاه گذار در سال‌های ۲۱۰۰/۲۰۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد، هر دو این خطوط مورد استفاده بودند تا اینکه در نهایت استفاده از خط عیلامی خطی به‌طور کامل متوقف شد. اعتبار فرهنگی خط میخی میان‌رودان می‌تواند یکی از دلایل این پدیده باشد؛ اما همچنین می‌توان این‌طور در نظر گرفت که خط عیلامی خطی به نوعی قربانی کارایی خود بود. این خط به‌عنوان یک سیستم نگارشی آوایی بسیار دقیق، به‌ویژه برای ثبت ویژگی‌های واج‌شناختی خاص زبان عیلامی به وجود آمده بود (بر اساس دانش کنونی ما، هیچ متن زبان آکدی یا سومری که به خط عیلامی خطی نوشته شده باشد، وجود ندارد) و هرگز از زادگاه اصلی خود، فلات ایران، خارج نشد. باین‌حال، کلمات آکدی اندکی را می‌توان در متون نوشته‌شده به خط عیلامی خطی یافت؛ مانند واژه Bēlat-eka به معنای «حفاظت» در نام حاکم شناخته‌شده به واژه Ešinak، واژه tup به معنای «کتیبه» و واژه Peltikalim معروف به واژه Bēlat-eka به معنای «بانوی قصر».

زمانی که کاتبان عیلامی در جنوب غربی ایران از خطی بومی که همان خط عیلامی خطی بود، به استفاده از خط میخی خارجی روی آوردند، آن را بر مبنای ویژگی‌های آوایی سخت‌گیرانه «سنت نوشتاری خود» منطبق کردند. همچنین در ابتدا آگاهانه (و نه به دلیل ضعف در نوشتن به خط میخی) از واژه‌نگارها، تعیین‌کننده‌ها و همچنین نشانه‌های هجانگاری (CVC) اجتناب می‌ورزیدند و تنها فهرست محدودی از نشانه‌هایی را که کم‌وبیش با شبکه آوایی مفهومی آنها مطابقت داشت، به کار می‌بردند. به عبارتی کاتبان عیلامی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۹۰۰ پیش از میلاد خط میخی را به شیوه نگارش خط عیلامی خطی می‌نوشتند. گسترش خط میخی میان‌رودان در جنوب غربی ایران و هم‌زمانی آن با سقوط شهرنشینی در شرق ایران، دورانی را به پایان رساند که در آن خط‌های مستقل از خط میخی می‌توانستند در خاور نزدیک توسعه یافته و شکوفا شوند. پس از آن، خط میخی تا هزار سال بعد تبدیل به سیستم نگارش غالب شد؛ البته به استثنای سیستم هیروگلیف آتاتولی/لووی در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد در آتاتولی و نوآوری‌های الفبایی در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد در سرزمین‌های شامات. گسترش استفاده از خط میخی در جنوب غربی ایران، راه را برای ورود سیستم‌های نگارشی پدیدآمده در غرب که از آن زمان در فلات ایران استفاده می‌شد، باز کرد: خط میخی میان‌رودانی، الفبای یونانی، الفبای مشتق‌شده از الفبای آرامی (برای ثبت زبان‌های اشکانی، پهلوی و اوستایی)، الفبای مشتق از الفبای عربی و الفبای لاتین (پدیده فینگلیش فعلی). درواقع از سال ۱۸۸۰ پیش از میلاد به این سو، دیگر هیچ سیستم نگارشی بومی در فلات ایران استفاده نشده است.

۶- خاستگاه خط عیلامی خطی و ارتباط آن با الواح «آغاز عیلامی»

اگر خط سیر زمانی را از تاریخ ناپدید شدن خط عیلامی خطی، یعنی از اوایل هزاره دوم پیش از میلاد، به عقب ببریم و این بار به پیدایش آن بپردازیم، دو نظریه مطرح می‌شود. برخی بر این باورند که این سیستم نگارش در ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد «ناگهان» پدید آمد و گروهی دیگر میان خط «عیلامی خطی» و الواح «آغاز عیلامی» مربوط به ۳۳۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد پیوند خویشاوندی می‌بینند. من پیش‌تر فرضیه اول را می‌پذیرفتم، اما در سال‌های گذشته نظرم تغییر کرد؛ اکنون فکر می‌کنم احتمالاً «شبکه الفبایی-هجایی عیلامی خطی» در حدود سال ۲۳۰۰ پیش از میلاد ناگهان ظاهر نشده است و خط‌های «آغاز عیلامی» و عیلامی خطی احتمالاً دو سیستم نگارشی متفاوت نبوده‌اند، بلکه یک سیستم در دو مرحله زمانی متفاوت از تکامل

سیستم نگارش خطی B، سیستم «هجانگار» است که بر مبنای نمودار شبکه آوایی عمل می‌کند و شامل نشانه صدادر و هجایی (CV) است که بر اساس پنج واج واکه (/u/, /o/, /i/, /e/, /a/) و ۱۲ واج همخوان (/z/, /w/, /t/, /s/, /r-/, /q/, /p/, /n/, /m/, /k/, /j/, /d/) عمل می‌کند که جمعاً شامل ۶۵ نشانه (پنج صدادر و ۶۰ هجایی) می‌شود که تاکنون ۶۰ نشانه آن شناسایی شده است. از آنجایی که سیستم نگارش میسینی خطی B عمدتاً یک ابزار اداری بوده است، علاوه بر این نشانه‌های آوایی از یک سری نشانه‌های واژه‌نگار (حدود ۱۵۰ واژه‌نگار در حال حاضر تأیید شده) برای ثبت نمادهای عددی (برای شمارش نام‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش، سیستم‌های ثبت وزن، حجم و...) و همچنین خود اشیای شمارش‌شده (حیوانات، انسان، غلات، شراب، روغن و...) استفاده می‌کردند.

با توجه به اینکه هیچ‌یک از ۴۰ متن نوشته‌شده به خط عیلامی خطی که در حال حاضر شناخته شده‌اند، به حسابداری نمی‌پردازند، می‌توان این‌طور فرض کرد که کاتبان در آن زمان برای ثبت اعداد و اشیای شمارش‌شده به استفاده از واژه‌نگارهای موجود در سیستم «آغاز عیلامی» که در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد استفاده می‌شده، ادامه می‌دادند. بنابراین شاید چهار سیستم عددی اصلی و نشانه‌های مربوط به انسان‌ها، حیوانات، محصولات حیوانی، غلات یا مساحت زمین در سیستم «آغاز عیلامی» همچنان در خط عیلامی خطی نیز استفاده می‌شدند.

۴- نمود عینی رمزگشایی: متنی از بوزور-سوشیناک از شوش در سده ۲۲ پیش از میلاد

به‌عنوان نمونه‌ای از رمزگشایی یک متن نوشته‌شده به خط عیلامی خطی، در اینجا متنی از فرمانروای شوش، بوزور-سوشیناک (سده ۲۲ پیش از میلاد) که روی سه لوح سنگی ثبت شده است، می‌آید (متون عیلامی خطی ۱ و ۲ و تصویر ۱۷). نسخه کامل کل مجموعه متون عیلامی خطی را به‌زودی منتشر خواهیم کرد.

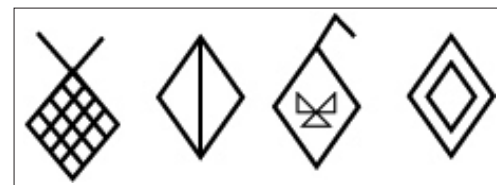
متون ترکیبی H//G//F:

1. pu-zu-r-su-ši-na-k ze-m-t a(-w)-wa-ni-r | (ku-ši-k | ši-n-pi-s-hu-ki-r |)
2. i-n-su-š-na-k i-r ha-ne-š | hu₂-pu₂-š-š-a-n la-w-li₃-ri li-m-ma-š (|) pa-t-ra i-r ra-pa₂-pa-š
3. 'i-r' pe-t-ra-š a-k-ka-'ra pe¹-t-n-ra | a-hu-n(-) ha²-s-ki | lu²-r(-) -m²-ki i² ha-hu-t-ta-k-ne

- (۱) بوزور-سوشیناک، پادشاه آوان (کسی که توسط بوزور-سوشیناک متولد شد)
- (۲) اینسوشیناک او را دوست دارد. [بنابراین] او [اینسوشیناک | شهر/منطقه] جویشان... را سوزانده، تحت امر او [بوزور-سوشیناک] به بردگی گرفته [و]
- (۳) به او [بوزور-سوشیناک] تقدیم کرد. هرکس قیام کند... باشد که ناپود شود (یا تحویل بد).

۵- فرجام خط عیلامی خطی

از آنجایی که امروزه نیز سادگی و راحتی یادگیری برای عموم در استفاده از وسایل و ابزارها اهمیت ویژه‌ای دارد، تا مدت‌ها بر این باور بودم که خط عیلامی خطی ایرانی، با توجه به تعداد نشانه‌های محدود (از لحاظ نظری ۷۷ ارزش آوایی) و همچنین منطق آوایی و دقت بالای آن، کارآمدتر و در نتیجه «پیشرفته‌تر» از سیستم‌های نگارش معاصر است؛ چراکه هیروگلیف/هیراتیک مصری و خط میخی میان‌رودانی، با صدها نشانه سروکار داشتند. کاتبان مصری و میان‌رودانی درواقع تمام ابزارهای لازم را (به‌ویژه با وجود سیستم الفبایی همخوان در خط مصری) برای نوشتن به شیوه آوایی در اختیار داشتند، ولی هرگز با نخواستند یا به استفاده از آن فکر نمی‌کردند. باین‌حال، سیستم‌های نگارشی را نه بر اساس ارزش‌های ما، بلکه بر اساس توانایی‌شان در خدمت به نیازهای افرادی که از آنها استفاده



• تصویر ۲۰: نام مکان هتمتی که به صورت آوانگاری و با خط آغاز ایرانی جدید (یا خط عیلامی خطی) نوشته شده است (از چپ به راست ha-ta-m-ti خوانده شود: تصویر از فرانسوا دوسه)

«آغاز میخی» گرفته شده است یا به عنوان دختر «آغاز میخی»، در نظر گرفت، بلکه این دو خط خواهر هستند.

• با استناد به روش‌های تاریخ‌گذاری کنونی، به احتمال زیاد تشخیص زمان و مکانی که برای اولین بار در آنجا سیستم نگارش ایجاد شده، غیرممکن است؛ زیرا انتشار سیستم نگارش (یا انتشار ایده نوشتن به خط) احتمالاً به سرعت پس از ایجاد آن رخ داده است، حتی در طول عمر ۲۰ تا ۲۵ ساله یک نسل.

خط ایرانی «آغاز عیلامی» و خط میان‌رودانی «آغاز میخی» دارای چند ویژگی مشترک بودند (نشانه‌های شمارشی، سه سیستم شمارشی و برخی نشانه‌های شیء واژه‌نگاری نادر؛ تصویر ۱۱، نکته ۲) و یک پیشینه مشترک را به ارث برده‌اند که همان الواح عددی کهن‌تری بودند که از سوریه تا ایران امروزی از حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد شواهدی از آنها به دست آمده است. اما این دو خط با وجود ویژگی‌های مشترک، به‌طور کامل از هم متفاوت بوده‌اند. اگرچه به خاطر این نظریه توسط همکارانی که عمده تمرکزشان بر میان‌رودان است، مورد انتقاد قرار گرفته‌ام، اما فکر می‌کنم موضع من تاکنون از نظر علمی رد نشده و اشتباه‌بودن آن ثابت نشده است. باین‌حال، اگر از حفاری‌های جدید در عراق لوح‌هایی به خط آغاز میخی به دست آید که به‌صراحت در حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد یا زودتر از آن تاریخ‌گذاری شوند، مایل‌م درباره این نظریه تجدید نظر کنم. در حال حاضر، این نظریه با توجه به داده‌های موجود، منطقی‌ترین است. تا به امروز ما از وجود ۱۶۰۰ لوح «آغاز عیلامی» آگاهیم که فقط در ایران عمده آنها (۱۵۰۰ لوح یا ۹۴ درصد) در شوش و از اوایل سده ۲۰ به دست آمده‌اند. این الواح که احتمالاً توسط انبارداران و برای اهداف اداری و حسابداری استفاده می‌شده‌اند، شامل اطلاعاتی در باره مدیریت کالا از قبیل غلات، دام و برده‌هاست. بنابراین بر اهمیت

متغیر عددی ثبت شده در این متون کاملاً واقف هستیم و به همین دلیل می‌توان گفت که این الواح تا حدی خوانده می‌شوند. از سوی دیگر، بخش مهمی از این اسناد رمزگشایی نشده باقی می‌ماند؛ از جمله توالی‌های نشانه‌هایی که احتمالاً با نوشته‌های واژه‌نگاری و آوانگاری (سیستم ترکیبی)، نام افراد دخیل در معاملات را نشان می‌دهند (تصویر ۱۸).

بر مبنای این فرضیه که خطوط آغاز عیلامی و عیلامی خطی به ترتیب مرحله قدیمی (۳۳۰۰-۳۰۰۰ پ.م) و مرحله جدید (۲۳۰۰-۱۸۸۰ پ.م) از یک سیستم نگارش یکسان هستند، من پیشنهاد می‌کنم از دانش «جدید» خود درباره «مرحله جدید» استفاده کنیم تا زمانی که این هم‌تایان گرافیکی با ارزش آوایی استفاده می‌شده‌اند، به روش وارونه و به کمک ارزش‌های آوایی به‌دست‌آمده در عیلامی خطی، هم‌تایان گرافیکی آن در خط آغاز عیلامی را رمزگشایی کنیم (تصویر ۱۱، نکته ۴؛ تصویر ۱۹).

این رویکرد «مبتنی بر سیستم نگارشی» را می‌توان با «رویکرد زبان‌شناختی» تلقی کرد. نام‌های خاص احتمالی ثبت شده در الواح آغاز عیلامی اکثراً متعلق به مردم ساکن شوش است. خط میخی میان‌رودان در حدود سال ۲۳۰۰ پیش از میلاد در زمان ضمیمه شدن آن توسط امپراتوری آکد، به این شهر وارد شد. از آن زمان به بعد، نام‌های خاص ساکنان شوش با اکثریت ظاهراً آکدی و اقلیت عیلامی بر الواح میخی (در قراردادهای فروش، سندهای ازدواج، اسناد وراثت و...) ثبت شده‌اند. با فرض اینکه روش‌های نام‌گذاری و مجموعه نام‌های خاص مردم شوش تغییر چندانی نکرده باشد، نام‌هایی که از سال ۲۳۰۰ پیش از میلاد به خط میخی نگاشته شده‌اند، ممکن است در خواندن نام‌های حک شده در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در الواح آغاز عیلامی به ما کمک شایانی کنند (تصویر ۱۱، نکته ۳).

بنابراین با تکیه بر دو رویکرد «مبتنی بر سیستم نگارشی» (تصویر ۱۱، نکته ۴) و رویکرد «مبتنی بر زبان» (تصویر ۱۱، نکته ۳)، نام‌های خاص ساکنان شوش در پنج هزار سال پیش را می‌توان خواند یا حداقل به بخش‌هایی که آوایی نوشته شده‌اند، دست پیدا کرد. نتیجه این کار دستیابی به کهن‌ترین اطلاعات زبان‌شناختی موجود در جهان خواهد بود. عمده نگارانی من درباره بخش‌های واژه‌نگار این توالی‌های مربوط به نام‌های خاص است (که ظاهراً در ابتدای توالی نشانه‌ها می‌آیند) که باید با اتکا بر دانش‌مان از مجموعه نام‌های خاص مردم شوش این واژه‌نگارها را خواند. از این منظر، خط آغاز ایرانی قدیم (آغاز عیلامی) احتمالاً یک سیستم ترکیبی بوده است که در هزاره سوم پیش از میلاد (مرحله میانی) بخش‌های واژه‌نگار خود را از دست داده است؛ پیش از تبدیل شدن به سیستمی کاملاً آوانگار در مرحله آغاز ایرانی جدید (عیلامی خطی)، حداقل از حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد.

۷- گزاره‌ای تازه: اصطلاحی جدید به عنوان نتیجه: هتمتی به جای عیلام

مقاله را با یادداشتی درباره اصطلاحاتی که در حال حاضر استفاده می‌شود، به پایان می‌برم. پیشنهاد می‌کنم هنگام اشاره به فلات ایران مفهوم جغرافیایی میان‌رودانی عیلام - به معنای «بلندی‌های شرقی» - را کنار بگذاریم؛ به‌ویژه زمانی که از دید خود ساکنان این فلات صحبت می‌کنیم. استفاده از برجسب عیلام برای مردمان و تمدن و سرزمین در آن دوره همچون استفاده از اصطلاحی کنونی مانند «فلات ایران» برای آن دوره یا حتی گمراه‌کننده‌تر است؛ چراکه این تصور را ایجاد می‌کند که عیلام واژه‌ای درست برای آن دوره بوده؛ حال آنکه این اصطلاح هیچ ارتباطی به دیدگاه مردم ساکن فلات ایران در آن زمان از خودشان نداشته است. در مقابل، نام اسرارآمیز هتمتی که دست‌کم از زمان پوزور-سوشیناک در سده بیست و دوم پیش از میلاد استفاده می‌شده است، می‌تواند نقش یک مرجع فرهنگی، قومی و تاریخی خاص را ایفا کند (تصویر ۲۰). البته از منظر جغرافیایی، متون شناخته شده آغاز ایرانی قدیم (آغاز عیلامی) و آغاز ایرانی جدید (عیلامی خطی) در حال حاضر تنها در مرزهای سیاسی ایران کنونی یافت شده‌اند. برجسب خط آغاز ایرانی نباید به‌هیچ‌وجه بهانه‌ای برای سوءاستفاده از احساسات ملی‌گرایانه در عصر حاضر شود؛ چراکه به عنوان پژوهشگر هدف این پژوهش، هیچ ارتباطی به احساسات ملی‌گرایانه گروه یا قوم خاصی نداشته و تنها به دنبال حقایق تاریخی هستیم.

بنابراین، با احترام به تمامی پژوهشگران در این زمینه، اصطلاح‌های



• تصویر ۲۱: جزئیات طرف نقره‌ای کونانکی با جدیدترین کتیبه نوشته شده به خط آغاز ایرانی جدید (متن K)، در زمان لیکاو (likawe) بزرگ (sukkalmah) شان در حدود ۱۹۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد؛ عکس از فرانسوا دوسه. تصویر ۷ ادر سمت راست.

تازه‌ای را برای مطالعه تاریخ این بخش خاص از خاور نزدیک باستان پیشنهاد می‌کنم که دقیق‌تر، با تعصب کمتر و منطبق‌تر با حقایق تاریخی است.

اصطلاح رایج	اصطلاح پیشنهادی
خط آغاز عیلامی	خط آغاز ایرانی قدیم (حدود ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد)
خط عیلامی خطی	خط آغاز ایرانی میانه (حدود ۲۹۰۰-۳۰۰۰ تا ۲۳۰۰ پیش از میلاد)
زبان عیلامی	خط آغاز ایرانی جدید (حدود ۲۳۰۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد)
	زبان هَتمَیایی

مگر خود درنگم نباشد بسی / بیا بد سپردن به دیگر کسی
پس از گذشت ۲۰ سال از زمانی که اولین بارقه‌های علاقه به تاریخ خاور نزدیک در من به وجود آمد، در نهایت من و همکارانم موفق به رمزگشایی از سیستم نگارش آغاز ایرانی جدید شدیم. می‌دانم این نقطه اوج موفقیت در راهی است که دود دهه پیش قدم در آن گذاشتم و دورنمای دیگری در آن برای خود نمی‌بینم (به غیر از برخی پژوهش‌های تکمیلی بر روی سیستم آغاز ایرانی قدیم).
شانس نقش بزرگی در این موفقیت داشت؛ که همان امکان دسترسی به متون حک شده بر روی ظروف نقره‌ای کونانکی مجموعه

محبوبان بود. مطمئنم که اگر دانشمند بزرگی همچون پیرو مریچی در دهه ۷۰ میلادی، به این متون دسترسی می‌داشت، می‌توانست رمز این سیستم نگارش را بگشاید. این همان فرصتی بود که ممکن بود سال‌هایی را که می‌توانست بی‌ثمر و بی‌امید در پی یافتن یک هدف بی‌فایده گذرانده شده باشد، بالاخره به یک موفقیت علمی درخشان تبدیل کرد. مادر و پدرم که سال‌ها از انتخاب حرفه‌ای من ناامید بودند، اکنون به من افتخار می‌کنند. واقعیت این است که این سیستم نگارش آغاز ایرانی جدید نیست که رمزگشایی‌اش را پس از گذر هزاره‌ها به من مدیون است، این من هستم که به واسطه این نشانه‌ها نجات یافتم؛ من که می‌خواستم نامم در یادها ماندگار شود.

توانم مگر پایه‌ای ساختن بر شاخ آن سرو سایه‌فکن کز این نامور نامه شهریار به گیتی بمانم یکی یادگار حال می‌دانم هستی من بی‌دلیل نبوده است. اکنون به آرامش رسیده‌ام و در آستانه فصل جدیدی از زندگی‌ام امید دارم تا گامی فراتر از اهداف شخصی باریک‌بینانه‌ام بردارم. روی سخنم با شما خواننده ایرانی این مطلب است. امید دارم که پس از خواندن این مقاله، توانسته باشید به این نکات درباره خط آغاز ایرانی پی ببرید:

- نسخه قدیم این خط، در کنار خطوط میخی میان‌رودان و هیروگلیف مصری، قدیمی‌ترین سیستم نگارش در جهان است که در پایان هزاره چهارم پیش از میلاد پدید آمده است.

- این خط تنها سیستم نگارشی است که در فلات ایران شکل گرفته است.

- نسخه جدید این سیستم، در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، ویژگی‌های آوایی استثنائی را داشت که سده‌ها به طول انجامید تا

این ویژگی‌ها در سایر سیستم‌های نگارش در دنیا به وجود بیاید. این خط درواقع قدیمی‌ترین سیستم نگارش کاملاً آوانگاری در جهان است؛ سیستمی الفبایی / هجایی (آلفاسیلابری)، متشکل از پنج ارزش صدادار و ۱۲ ارزش بی‌صد. بر این مبنا، با رمزگشایی خط آغاز ایرانی جدید باید تاریخ روند تکامل سیستم‌های نگارش در جهان را مورد بازبینی قرار داد.

این سیستم نگارش یادگار گذشته سرزمین‌تان پیش از اینکه ایران نام بگیرد، است. یادگار مردمانی که در آن می‌زیسته‌اند و هَتمَیّان (عیلامیان) نام داشته‌اند. مردمانی که زبانشان هنوز تا حد زیادی برای ما ناشناخته است. در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد، این مردم با اقوام ایرانی تازه‌وارد، مانند پارسی‌ها و مادها، آمیخته شدند. همان‌طور که می‌دانید، ساکنان فلات ایران مجموعه‌ای از طبقات قومی و فرهنگی مختلف (هَتمَیّایی، ایرانی، یونانی، عرب، ترک و مغول) هستند. طبقه هَتمَیّایی تا به امروز قدیمی‌ترین لایه فرهنگی شناخته‌شده در فلات ایران است که با رمزگشایی خط آغاز ایرانی جدید، اطلاعات بیشتری از آنها داریم.

در این مقاله دیدید که نشانه‌های این خط به هیچ خط دیگری شباهت نداشته و آشکالی هندسی و انتزاعی را تداعی می‌کنند. این نشانه‌های عجیب، منحصر به فرد و زیبا را می‌توان عنصر جدیدی از هویت بصری شما ایرانیان دانست. با احترام به ایران، سرزمین‌تان که از تاریخ کهنش بسیار آموختم و با احترام به شما که سال‌ها با صمیمیت پذیرای من بودید، این رمزگشایی را مانند پیشکش ناقابل‌ی می‌دانم که در لحظه ترک دوست عزیز به او می‌دهم. حال که دیوها نبشتن به ما بیاموختند، اکنون نوبت شماست تا در بطن فرهنگ غنی‌تان به این خط جانی دوباره دهید.

ی	و	ا	آ	پ	ت	ر	ز	س	ش	ک	ل	م	ن	و	ه
ی	و	ا	آ	پ	ت	ر	ز	س	ش	ک	ل	م	ن	و	ه
پی	پو	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا	پا
تی	تو	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا
ری	رو	را	را	را	را	را	را	را	را	را	را	را	را	را	را
زی	زو	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا	زا
سی	سو	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا	سا
شی	شو	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا	شا
کی	کو	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا	کا
لی	لو	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا	لا
می	مو	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما	ما
نی	نو	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا	نا
وی	وو	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا	وا
هی	هو	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها